

حضرت آیت‌الله جنّتی «دام عزّه»

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم؛

موضوع: «لایحه مالیات بر ارزش افزوده»

نتیجه بررسی‌ها ذیلاً جهت استحضار تحریر می‌یابد:

۱- ماده (۷)

پیشنهاد می‌گردد عبارت: «از طریق مبادی خروجی رسمی» در انتهای ماده، بعد از کلمه «اقتصادی» اضافه گردد، تا امر صادرات از قاچاق کالا قابل تفکیک باشد.

۲- ماده (۱۲)

صدر ماده (۱۲) چون موارد معافیت از پرداخت مالیات در بندهای ۱۷ گانه ذیل ماده (۱۲) به تصریح مشخص گردیده، به نظر می‌رسد واژه «حسب مورد» علاوه بر ایجاد ابهام، باعث تفسیر موسّع در مقام اجراء خواهد شد. حذف آن پیشنهاد می‌گردد.

- بند (۶) ماده (۱۲)

در لایحه دولت واژه «مؤسسات عام‌المنفعه» آمده، لکن در مصوبه مجلس، واژه «حوزه‌های علمیه» جایگزین آن شده است. این تخصیص به نظر، متضمن تبعیض ناروا و مغایر با بند (۹) اصل ۳ قانون اساسی خواهد بود.

- بند (۱۴) ماده (۱۲)

حرف «که» بعد از کلمه «آموزشی» زائد است.

۳- ماده (۱۳)

در لایحه دولت نبوده است. از این حیث که اضافه شدن آن، باعث کاهش درآمد مالیاتی می‌گردد،

به نظر مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد.

۳- ماده (۱۴)

از این حیث که مرجع قانونی تشخیص و تعیین «بهای روز کالا یا خدمت» مشخص نمی‌باشد مواجه با ابهام است.

۴- ماده (۱۵)

واژه «سیف» به لحاظ اینکه از واژه انگلیسی (S.I.F) می‌باشد، هر چند که ترجمه فارسی آن در بین دو ابرو () مندرج است، به نظر مغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی می‌باشد.

۶- دو سطر پایانی ماده (۱۷)

عبارت: «ماشین آلات و... محسوب می‌گردد» در لایحه دولت نبوده است. استثناء به عمل آمده از شمول قانون مالیات بر ارزش افزوده، چون موجب کاهش درآمد عمومی می‌گردد به نظر در مغایرت با اصل ۷۵ خواهد بود.

۵- تبصره (۲) ماده (۱۷)

عدم استرداد مالیات مأخوذه، به نظر مغایر با اصول بدیهی حقوقی ناظر بر ایفاء یا استیفاء بلاجهت و ناروا می‌باشد.

۶- تبصره (۷) ماده (۱۷)

با عنایت به اینکه مالیات مأخوذه، از مصادیق بارز درآمدها و دریافت‌های دولت می‌باشد، علیهذا تجویز تهاتر و یا استرداد بین دستگاه‌ها به نظر مغایر با اصل ۵۳ قانون اساسی می‌باشد.

۷- صدر ماده (۲۰)

تکلیف مؤدیان مالیاتی به وصول مالیات از طرف دیگر معامله، چون فاقد ابزارها و ضمانت‌های اجرائی لازم است، به نظر نوعی تکلیف مالایطاق و غیرقابل اجراء می‌باشد.

۸- ماده (۲۲)

واژه «حد آستانه» از این حیث که مورد تعریف قانونی قرار نگرفته مواجه با ابهام است. واگذاری

شماره: ۳۵۴۳

تاریخ: ۱۳۸۶/۱۲/۱۴

پیوست: ندارد

تعریف و تعیین حدود آن به دولت مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است.

- تبصره ماده (۲۲)

واژه «دستورالعمل مذکور» چنانچه مقصود از واژه مزبور، همان مصوبه هیأت وزیران باشد، از حیث اعتبار، قطعاً دستورالعمل معادل تصویب‌نامه نخواهد بود. لذا نیاز به اصلاح دارد.

۹- ماده (۲۵)

تجویز توسعه ساختار و تشکیلات سازمانی، به نظر مغایر با سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری مبنی بر کوچک‌سازی دولت و در مغایرت با بند (۱۰) اصل ۳ قانون اساسی است که بر «حذف تشکیلات غیر ضرور» تأکید دارد.

- تبصره ذیل ماده (۲۵)

اجازه استخدام تا سقف ۱۰ درصد بدون رعایت تشریفات اداری، به نظر مغایر با بندهای (۹) و (۱۴) از اصل ۳ قانون اساسی است که بر «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» تصریح و تأکید دارد.

۱۰- تبصره (۲) ماده (۲۸)

رسیدگی به تخلفات حسابداران که قطعاً اعمال تنبیهاتی را به همراه خواهد داشت، از امور تقنینی است و واگذاری آن به آیین‌نامه، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است.

۱۱- ماده (۲۹)

«جامعه مشاوران رسمی مالیاتی ایران» تأسیس و راه‌اندازی آن، به نظر در تعارض با سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری مبنی بر ضرورت کوچک‌سازی دولت و در مغایرت با بند (۱۰) از اصل ۳ قانون اساسی که بر «حذف تشکیلات غیر ضرور» تصریح دارد.

۱۲- مواد (۳۱) و (۳۲)

الف - تکلیف مؤسسات پولی و بانکی و همچنین شهرداری‌ها. به ارائه اطلاعات مالی - معاملاتی

شماره: ۳۵۴۳

تاریخ: ۱۳۸۶/۱۲/۱۴

پیوست: ندارد

و درآمدهای مربوط به اشخاص به ویژه اشخاص حقیقی به سازمان امور مالیاتی کشور، به صرف درخواست ریاست سازمان مزبور، به نظر مغایر با حقوق شهروندی است. انجام این امر، نیازمند کسب تکلیف و اخذ دستور از مراجع صالح قضائی می‌باشد.

ب - اولاً: مشخص نمی‌باشد مقصود از واژه «اشخاص» مندرج در سطر ۴ ماده (۳۱) شخص حقیقی به عنوان عالی‌ترین مقام اجرائی دستگاه ذیربط است یا دستگاه ذیربط به عنوان شخص حقوقی؟ ثانیاً: توجه مسئولیت تضامنی به اشخاص مزبور، در پرداخت مالیات و جرائم به صرف استتکاف از ارائه اطلاعات تا چه میزان مطابق با اصول و موازین قانونی و شرعی است؟ نیاز به بررسی اعضاء محترم شورا دارد.

۱۳- ماده (۳۹)

الف - عبارت: «سایر مدیران ذی‌ربط اشخاص حقوقی» چون مشخص نمی‌باشد حدّ یقف آن در چه سطحی از مدیران می‌باشد، موجب تفسیر موسّع و مواجهه با ابهام است.

ب - عبارت: «باشد یا نباشد» در سطر سوم، مشخص نمی‌باشد آیا دوران بعد از تصدی مدیر سابق را شامل می‌گردد یا خیر؟ لذا مواجهه با ابهام است.

ج - توجه مسئولیت تضامنی بابت پرداخت دیون مالیاتی، به اشخاص حقوقی و افرادی که متصدی آن شرکت‌ها بوده یا می‌باشند، تا چه حد مطابق با اصول قانونی و شرعی است؟ نیاز به بررسی اعضاء محترم شورا دارد.

توضیح: تخلفاتی که مدیران به دلیل امتناع یا استتکاف از انجام وظایف قانونی خود مرتکب می‌گردند، مستوجب تنبیهات یا مجازاتی است که در قوانین مورد پیش‌بینی قرار گرفته، بنابراین توجه مسئولیت تضامنی به مدیران جهت پرداخت دیون مالیاتی و جرائم مربوط، به دلیل عدم تناسب بین جرم و مجازات یا تخلف و تنبیهات، به نظر فاقد وجهت قانونی است.

۱۴- ماده (۴۳)

۱۴-۱- بند (ب) ماده (۴۳)

شماره: ۳۵۴۳

تاریخ: ۱۳۸۶/۱۲/۱۴

پیوست: ندارد

واژه «نرخ ترجیحی» از این حیث که تعریف نشده. مواجه با ابهام است.

۱۴-۲- بند (ج) ماده (۴۳)

واژه «مونتاژ» مغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی است.

۱۵- ماده (۴۴)

۱۵-۱- انتهای تبصره (۴) ماده (۴۴)

پیشنهاد می‌گردد عبارت: «قائم‌مقام و وراث قانونی مشارک‌لیهما» بعد از کلمه «معامل» اضافه گردد.

۱۵-۲- تبصره (۵) ماده (۴۴)

ابهام در نوع صلح یا هبه: با عنایت به ماهیت عقود صلح و هبه که اعم است از معوض و غیرمعوض، لذا برای جلوگیری از سوءاستفاده و گریز از پرداخت مالیات، با افزودن یکی از دو قید معوض یا غیرمعوض از واژه‌های مزبور، رفع ابهام گردد.

۱۷- ماده (۴۶)

واژه «وجوهی» مندرج در سطر ۳، از حیث اقل و اکثر مشخص نمی‌باشد، لذا علاوه بر ابهام،

نیازمند به قانون است و واگذاری آن به آیین‌نامه، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است. / نوبت

قربانعلی مهری

قائم‌مقام مرکز تحقیقات

شماره: ۳۵۴۳

تاریخ: ۱۳۸۶/۱۲/۱۴

پیوست: ندارد

رونوشت:

- جناب آقای دکتر کدخدایی، معاون محترم اجرایی و امور انتخابات، جهت استحضار
- جناب آقای دکتر کدخدایی، معاون محترم اجرایی و امور انتخابات، جهت استحضار